

مدیریت شهری

دکتر علی شمس الدینی^۱، علیرضا رضایی^۲

۱. عضو هیئت علمی گروه جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران

۲. دانش اموزته کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت، ایران

چکیده

تاریخ زندگی بشر نشان می‌دهد که، مدیریت از دیرباز بعنوان یک ضرورت برای انسان مطرح بوده و شاید یکی از مهمترین فعالیت‌ها در زندگی اجتماعی بشر امروز را بتوان مدیریت دانست. پیشرفت مدیریت تا انقلاب صنعتی، هماهنگ و محسوس نبود. هنری تاون در سال ۱۹۲۱ مقاله ای بنام «مهندس بعنوان یک اقتصاددان» را به نگارش درآورد. در این مقاله او نیاز مدیران را به قدرت تشخیص و تجزیه و تحلیل اطلاعات و طبقه بندی اطلاعات به منظور رفع مشکلات و همچنین نیاز آن‌ها را به دیدن دوره های آموزش مدیریت در دانشگاه ها، مورد تاکید قرار می‌دهد. ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می‌باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تاکید می‌باشد. مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدیدناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدیدپذیر، ظرفیت‌های جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی، کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان را در بر می‌گیرد. به عبارتی شهر پایدار زمانی شکل می‌گیرد و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ص ۳۳).

واژه‌های کلیدی: مدیریت، شهر، مدیریت شهری.

مقدمه:

شهر پدیده‌ای است مکانی- زمانی که در نقطه‌ای خاص ایجاد شده است و به عنوان محل ظهور اجتماع، محل ظهور مدنیت، واقعیتی است که هر جامعه‌ای با آن درگیر بوده است. انسان برای ارضای نیازهای خود در بستری از دگرگونی‌های معنایی (نمادین) اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فضا را نیز دگرگون می‌کند و با یک مدیریت شهری توانمند می‌تواند با بکارگیری موثر و کارای منابع انسانی و مادی سازمان، به اهدافش دست یابد. روش مفید برای نیل به این منظور، تاکید بر وظایفی است که تحت عنوان اصول مدیریت شناخته شده‌اند. شالوده این مدیریت عبارت است از: بر عهده گرفتن نقشی فعال در توسعه، مدیریت و هماهنگ سازی منابع برای دستیابی به اهداف توسعه شهری. مدیریت شهری فراتر از ساختار و سازمان، به مجموعه نهادهای ذیربط و ذی نفوذ در اداره شهر و چگونگی تعاملات این عناصر با یکدیگر اشاره دارد. در سال‌های گذشته در محافل علمی و اجرایی کشور، در حیطه مسائل و مشکلات پیشروی مدیریت شهری، مفهوم مدیریت یکپارچه، هماهنگ و یا واحد شهری مطرح شده است. همچنین تصریح ماده ۱۳۶ قانون برنامه سوم توسعه، ماده ۱۳۷ قانون برنامه چهارم و ماده ۱۷۳ قانون برنامه پنجم توسعه به تحقق مدیریت واحد شهری، منجر به فراگیرتر شدن این مفهوم شده است.

مدیریت:

Administration چنین تعریف شده است: انجام دادن یک یا چند عمل در فرآیند اداره کردن جهت رسیدن به اهداف و این در حالی است که **Management** یعنی فرآیند تعیین اهداف و تهیه برنامه‌ها که بر اساس این تعریف مفهومی می‌توان این استنباط را داشت مدیریت از اداره کردن با اهمیت تر و دقیق تر است و در فرآیند اداره کردن و رسیدن به اهداف تعیین شده مهم می‌باشد (زیاری، ۱۳۸۴).

مدیریت شهری:

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی و برخی عوامل دیگر نظیر توان و مهارت و دانش سیاستگذاران، تصمیم گیران و تصمیم سازان و افراد استفاده کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. بر این اساس ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می‌باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح

و مورد تاکید می‌باشد. مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدیدناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدیدپذیر، ظرفیت‌های جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی، کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان را در بر می‌گیرد. مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه‌های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارتی دیگر شهر پایدار زمانی شکل می‌گیرد و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ص ۳۳).

مفهوم شهر

سازمان ملل متحد، در سال ۱۳۶۷ خورشیدی، شهر را چنین تعریف می‌کند: شهر، مکانی با تراکم بالای جمعیت و مرکزیت سیاسی، اداری و تاریخی است که در آن، فعالیت اصلی مردم، غیر کشاورزی است و دارای مختصات شهری بوده که از طریق دولتی محلی، اداره می‌شود. شاخص‌های تفکیک شهر از روستا، عبارت است از (سنایی و همکاران، ۱۳۹۷):

۱. وسعت
 ۲. وضعیت و نوع فعالیت اقتصادی
 ۳. درجه اشتغال و قشربندی اجتماعی
 ۴. درجه پیچیدگی روابط و مناسبات
 ۵. چگونگی بهره‌گیری از نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی
 ۶. میزان و ترکیب جمعیت
- گرچه بسیاری از محققان و پژوهشگران شهری از خیر تعریف شهر گذشته و یافتن تعریفی واحد برای شهر به نحوی که نیازهای پژوهشی تجربی متنوع و متعدد را برآورد و برای همه انواع شهر در زمان‌ها و جوامع گوناگون مناسب تلقی گردد غیر ممکن دانسته‌اند. اما در این قسمت میتوان به پاره‌ای از تعاریفی که همگی حکایت از اهمیت شهر دارند، اشاره نمود. این تعاریف عبارتند از:
- (۱) شهر مقوله‌ای است فلسفی- علمی. مقوله‌ای است فلسفی چون ابعاد ذهنی - هویتی شهر در فراسوی معیارهای مرسوم (چه فرهنگ گرا چه عملکرد گرا یا نوگرا) قرار گرفته و در محدوده ارزش‌های پویای فرهنگی-هنری مقام می‌گیرد. از این رو لازم است که برخوردی فلسفی با شهر صورت گیرد. شهر مقوله‌ای است علمی چون ابعاد عینی و کالبدی آن در همه زمینه‌های اجتماعی - اقتصادی، کالبدی - فضائی و.. با ضوابط و معیارهای علمی قابل سنجش است. از سوی دیگر شهر پدیده‌ای است مکانی - زمانی که در نقطه‌ای خاص ایجاد شده در فضا تکامل یافته و با گذشت زمان رشد یافته است (حبیبی، ۱۳۸۳: ۲۱۱).

۲) شهر در رویکرد جغرافیایی، حاصل رابطه‌ای است که انسان با طبیعت به وجود می‌آورد به گونه‌ای که شهر را می‌توان محیطی انسان ساخت تعریف کرد. انسان برای ارضای نیازهای خود در بستری از دگرگونی‌های معنایی (نمادین) اقتصادی، سیاسی و اجتماعی فضا را نیز دگرگون می‌کند. این دگرگونی از خلال یک فرایند تخریب-ساختن انجام می‌گیرد؛ بدین معنی که برای ساختن فضاهای جدید همواره نیاز اولیه‌ای به تخریب فضاهای پیشین وجود دارد. این امر چرخه‌ای بی پایان از تخریب‌ها و ساختن‌ها را به وجود می‌آورد که شاید بتوان گفت هرگز متوقف نمی‌شود چه بسیار در طول تاریخ مشاهده شده است که حتی با نابودی کامل یک شهر، تاریخ آن شهر بازنایستاده و در دوره ای آتی، بار دیگر شهر در مرزهای قدیمی و یا نزدیک به آن‌ها و با تجدید گذشته تاریخی آن بازسازی شده است (فکوهی، ۱۳۸۳: ۳۲).

۳) از نظر اجتماعی، شهرها مکان‌های مناسبی برای شکل‌گیری نهادهای جمعی، اعتلای ارزش‌های فرهنگی، گسترش و تحکیم روابط و مناسبات اجتماعی و پاسداری از روش‌های انسانی و هویت‌های ملی و محلی هستند (فرجامی، ۱۳۸۳: ۵۳۳).

۴) شهر فضای کالبدی حیات اجتماعی جوامع است جایی که در آن روابط انسانی و اجتماعی شکل گرفته، بارور و شکوفا می‌شود (رضازاده، ۱۳۸۴).

شهر؛ در طبقه بندی عمومی انواع سیستم‌ها، شهرها به عنوان یکی از سیستم‌های اقتصادی اجتماعی، جزء پیچیده‌ترین سیستم‌ها به شمار می‌روند (بولدینگ، ۱۹۵۶). مدیریت بر سیستم‌های با پیچیدگی بالا، نیازمند رویکرد و برخورد سیستماتیک و شناسایی و هدایت عناصر مربوطه بر مبنای موازین و تحلیل‌های مبتنی بر این رویکرد است (کاظمیان، ۱۳۷۳: ۴۳). از جهت سلسله مراتب و مراحل تصمیم‌گیری، شهر با سایر سازمان‌ها تفاوت چندانی ندارد، اما آنچه موضع شهر را نسبت به سایر نهادها متمایز می‌کند، پیچیدگی، بزرگی و تعدد عوامل آن است (میرعابدینی، ۱۳۸۸: ۵۸).

اهمیت شهر

شهرها کامل‌ترین اشکال ممکن آبادی انسانی‌اند. آن‌ها هم چون مشعلی فروزان انوار خود را فرا راه انسانیت و تمدن پاشیده‌اند. آن‌ها هم چون موج شکن بر پهنه گیتی ایستاده، امواج تعدی را در هم شکسته و بدین ترتیب به حیطة امنیت بدل گردیده‌اند. آن‌ها آدمی را در وصول به نقطه‌اعلای فرهنگ یاری رسانیده‌اند. آن‌ها در پناه دیوارهای خود محیطی مناسب را برای پرورش اصلی‌ترین دستاوردهای علمی و هنری فراهم آورده‌اند. آن‌ها میدان آوری بوده‌اند که به پیروزی آزادی انجامیده است (امیریار احمدی، ۱۳۷۸: ۱۴). اما هر گاه یکی از ابعاد چهارگانه مفهومی شهر (ذهنیت، عینیت، مکان و زمان) نادیده انگاشته شده و به آنها کم بها داده شود - که اغلب نیز چنین بوده است - شهر «زنده-فضا» به شهر زنده در فضا تبدیل می‌شود (آن هم تنها به دلیل حضور انسانهایی که در آن ساکن هستند) و این آغاز فرایند فروریزی

بنیان‌های زندگی شهری و شروع از هم پاشیده شدن شالوده‌های شهر است. شهری که دیگر نمی‌تواند چون یک مقوله فلسفی مورد بررسی قرار گیرد، فلسفه وجودی خویش را از دست داده است. شهری که دیگر نمی‌تواند با موازین علمی سنجش پذیر باشد، عینیت واقعی بودن خود را از کف می‌دهد. شهری که نه در زمان بلکه در مکان می‌زید، دارای فضاهای زنده شهری نخواهد بود و اگر جنب و جوشی در آن به چشم می‌آید، سبب کنش و واکنشهای فضایی است که ایجاد می‌کند، بلکه به بخاطر حضور انسانهایی است که علی‌رغم کارا نبودن فضای شهری مجبور به زیست در آن هستند (حیبی، ۱۳۸۳: ۲۱۲). حقوق عبارت است از مجموعه مقررات و اصولی که در زمان معینی بر جامعه‌ای حکومت نموده و روابط بین افراد آن جامعه را تنظیم می‌نماید مانند حقوق اسلام، حقوق مدنی ایران، حقوق جزاء و امثال آن. از دیدگاه اسلام منشاء حق و حقوق خداوند متعال است و قانونی که مطابق احکام اسلام وضع نگردد موجد حق نیست. از این منظر حقوق را میتوان اینچنین تعریف کرد: (حقوق عبارت است از مجموعه قوانین و مقررات اجتماعی که از سوی خدای انسان و جهان، برای برقراری نظم و قسط و عدل در جامعه بشری تدوین می‌شود تا سعادت جامعه را تامین سازد) (لطفی و همکاران، ۱۳۸۸)

مفهوم مدیریت

صاحب‌نظران و اندیشمندان هرکدام مدیریت را به گونه‌های متفاوتی تعریف کرده‌اند. کریتر در کتاب خود تحت عنوان «مدیریت: فرآیندی برای حل مسائل» مدیریت را چنین تعریف کرده است: مدیریت عبارتست از فرآیندی برای حل مسائل مربوط به تامین هدف‌های سازمانی به نحو مطلوب از طریق استفاده موثر و کارآمد از منابع کمیاب در یک محیط در حال تغییر (Kreitner, 1980).

Administration چنین تعریف شده است: انجام دادن یک یا چند عمل در فرآیند اداره کردن جهت رسیدن به اهداف و این در حالی است که **Management** یعنی فرآیند تعیین اهداف و تهیه برنامه‌ها که بر اساس این تعریف مفهومی می‌توان این استنباط را داشت مدیریت از اداره کردن با اهمیت‌تر و دقیق‌تر است و در فرآیند اداره کردن و رسیدن به اهداف تعیین شده مهم می‌باشد (زیاری، ۱۳۸۴).

مدیریت فرایند به کارگیری مؤثر و کارآمد منابع مادی و انسانی بر مبنای یک نظام ارزشی پذیرفته شده است که از طریق وظایفی همچون:

برنامه ریزی، سازماندهی، بسیج منابع و امکانات، هدایت و کنترل برای دستیابی به اهداف تعیین شده، صورت می‌گیرد.

این تعریف، پنج نکته اساسی زیر را که زیربنای مفاهیم کلی مدیریت در حوزه‌های نظریه پردازی و کاربرد هستند، دربر دارد:

– مدیریت یک فراگرد است.

– مدیریت بر هدایت تشکیلات انسانی دلالت دارد.

- مدیریت مؤثر مبتنی بر تصمیم‌گیری مناسب و دستیابی به نتایج مطلوب است.
- مدیریت کارآ، متضمن تخصیص و مصرف مدبرانه منابع است.
- مدیریت بر فعالیت‌های هدفدار، تمرکز دارد.
- در تعریف دیگری، مدیریت عبارت است از: انجام دادن کارها به وسیله و از طریق دیگران. در این تعریف بر دو موضوع تأکید شده است:
 - به انجام رسانیدن کار
 - وجود اشخاص برای انجام کارها (سلامی، ۱۳۹۵).

اهمیت مدیریت

به اعتقاد پیتر دراکر عضو اصلی و حیاتبخش هر سازمان، مدیریت آن است (دراکر، ۱۹۷۴، به نقل از رضاییان، ۱۳۷۷). هارولد کونتز مدیریت را مهمترین زمینه فعالیتی انسان می‌داند و معتقد است که وظیفه اصلی مدیران در همه سطوح و همه نهادهای اجتماعی این است که محیطی را طراحی، ایجاد و نگهداری کنند که اعضای سازمان بتوانند با فعالیت و همکاری گروهی در آن، به اهداف معین خود دست یابند (کونتز و دیگران، ۱۹۸۸، به نقل از رضاییان، ۱۳۷۷).

وظایف مدیریت

در تعریف مدیریت، واژه فرایند نشان دهنده فعالیتهای اولیه ای است که مدیر آن را اجرا میکند. این فعالیت‌ها در اصطلاح مدیریت، وظایف مدیریت نامیده میشود. از دیدگاه الوانی (۱۳۶۸) وظایف مدیریت به شرح زیر می‌باشد:

- **برنامه ریزی:** تعریف اهداف، تدوین استراتژی و توسعه برنامه‌های عملیاتی
 - **سازماندهی:** تعیین آنچه که باید انجام شود، چگونه و چه کسی
 - **رهبری:** هدایت و هماهنگی و ایجاد انگیزه در فعالیتهای افراد سازمان و رفع تعارضات
 - **کنترل:** نظارت و مقایسه و اصلاح فعالیت‌ها برای اطمینان از انجام درست آنها طبق برنامه
 - **ارتباطات سازمانی:** انتقال و تبادل اطلاعات، معانی و مفاهیم و احساسات بین افراد در سازمان
 - **تصمیم‌گیری:** تشخیص و تعیین مشکل، یافتن راه حل‌های ممکن برای رفع مشکل، انتخاب معیار برای سنجش و ارزیابی راه حل‌ها، ارزیابی راه حل‌ها و انتخاب یک راه از میان راه‌های مختلف و ارائه بیانیه تصمیم
- باید توجه داشت که مدیران باید هر شش وظیفه را همزمان اجرا کنند و هر وظیفه بر وظیفه دیگری تأثیر می‌گذارد. یعنی این وظایف مربوط به هم و وابسته به یکدیگرند. منظور از برنامه ریزی در اینجا "برنامه رسمی" به مفهوم یک برنامه مدون است که در آن اهداف معینی برای یک دوره زمانی چند ساله تنظیم

می‌شود. این اهداف در اختیار اعضاء سازمان قرار می‌گیرد و سرانجام برنامه‌های کاری (یا اجرایی) خاصی برای دستیابی به این اهداف وجود دارد که فرایند اجرای آن نیز کنترل می‌گردد. این بدین معنی است که مدیریت به وضوح مسیری را که می‌خواهد طی کند (در چه نقطه ای هست و به کجا می‌خواهد برود) تعریف می‌کند (اعرابی و همکاران، ۱۳۷۹).

هر سازمان در آغاز کوچک است به طوری که حتی یک فرد به تنهایی قادر به انجام دادن همه کارها است. اما با گسترش یافتن کارها، آن فرد به معاونان و همکارانی نیاز پیدا می‌نماید. در نتیجه برای سهولت کار وظایف خود را میان خود و همکاران تقسیم می‌کند (علاقه بند، ۱۳۸۸). مدیران عالی سازمان، به برنامه‌ریزی، سازماندهی، رهبری، نظارت و... می‌پردازند؛ ولی سرپرستان، در پایین سلسله مراتب قرار دارند و به عبارتی در تقسیم‌بندی مدیریت، جزء مدیران تحتانی سازمان هستند (موسوی سریزدی، ۱۳۸۶). تمام تعاریفی که از وظایف و مسئولیت‌ها برای مدیریت ارائه شده، در مورد سرپرست‌ها نیز مصداق دارد. سرپرست، مانند مدیر، تقسیم کار، نظارت، برنامه‌ریزی و کنترل می‌کند. یک مورد دیگر هم به وظایف سرپرست اضافه می‌شود و آن اجرا است؛ یعنی مدیریت، بحث نظری و فلسفی مطلب را همراه دارد؛ اما سرپرست، نه تنها تمام این تکالیف را که بر عهده مدیر است و در نظام مدیریت تعریف شده، برعهده دارد، بلکه چون با طبقات اجرایی سازمان در تماس است، همه آن نقش‌های مدیران را باید از نظر ستادی داشته باشد و از پایین هم با عوامل اجرا در ارتباط باشد (شگوه منصف، ۱۳۸۳).

موقعیت سرپرست خط اول در سازمان، از این جهت منحصر به فرد است که سرپرست، تنها مدیری است که کار افراد غیر مدیر را سرپرستی می‌کند. از آنجا که نیل به هدف‌های سازمانی، بستگی به این دارد که کارها در سطح اجرایی چگونه انجام می‌شود، بنابراین، این موضوع به نحو بارزی اهمیت موقعیت سرپرستان سازمان را افزایش می‌دهد (کازمایر لئونارد، ۱۳۷۷).

مدیریت شهری و ضرورت آن

مفهوم مدیریت شهری اولین بار زمانی مورد توجه واقع گردید که در سال ۱۹۷۶ میلادی در کنار مفاهیم دیگری چون توسعه پایدار شهری پروژه شهر سالم در دستور کار یکی از برنامه‌های توسعه سازمان ملل با عنوان برنامه مدیریت شهری قرار گرفت. مطرح شدن چنین مفهومی و اصطلاحی از مدیریت در قالب مدیریت شهری ناشی از حرکت شیوه مدیریت متمرکز به سمت مدیریت غیر متمرکز در چارچوب مدیریت‌های محلی‌تر با هدف توسعه شهری بوسیله سازمان‌های محلی می‌باشد.

مدیریت شهری به عنوان چارچوب سازمانی توسعه شهر، به سیاست‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و اقداماتی مربوط می‌شود که در پی اطمینان از تطابق رشد جمعیت با میزان دسترسی به زیرساخت‌های اساسی زندگی شهری خصوصاً مسکن و اشتغال می‌باشد. در چارچوب این تعریف کارایی مدیریت شهری وابستگی مشخص و مستقیمی به عوامل زمینه‌ای از قبیل ثبات سیاسی، وحدت و یکپارچگی اجتماعی و برخی عوامل دیگر نظیر

توان و مهارت و دانش سیاستگذاران، تصمیم گیران و تصمیم سازان و افراد استفاده کننده از این سیاست‌ها و برنامه‌ها دارد. بر این اساس ویژگی‌های سازمانی مدیریت شهری و نیز نقش اجرایی بخش دولتی و عمومی در آن، تاثیر بسزایی در موفقیت و یا عدم موفقیت آن ایفا می‌نماید. هدف کلان مدیریت شهری ایجاد محیطی قابل زندگی برای همه شهروندان همراه با عدالت اجتماعی، کارایی اقتصادی و پایداری زیست محیطی می‌باشد. بر این اساس در شرایط فعلی مدیریت پایدار شهری با مدیریت شهری پایدار مطرح و مورد تاکید می‌باشد. مدیریت پایدار شهری حداقل استفاده از منابع تجدیدناپذیر، پیشرفت در استفاده از منابع تجدیدپذیر، ظرفیت‌های جذب مواد زاید در سطوح جهانی و محلی، کنترل و راهبری نحوه برآورده ساختن نیازهای اساسی انسان را در بر می‌گیرد. مدیریت شهری پایدار به تمامی عرصه‌های فعالیت شهری و نیز به تمامی شهروندان و حضور آنان در مدیریت شهری اشاره دارد. به عبارتی دیگر شهر پایدار زمانی شکل می‌گیرد و کارآمدی خود را نشان می‌دهد که مشارکت و مداخله مردم را بصورت حقیقی و حقوقی به رسمیت بشناسد (پرهیزکار، ۱۳۹۰: ص ۳۳).

در رابطه با مفهوم و کارکرد مدیریت شهری چنین می‌توان بیان کرد که مدیریت شهری بیشتر وجه فنی و اجرایی دارد و نسبت به حکومت شهری، جو حاکمیتی آن کمتر است و نهادهای مدیریت شهر بیشتر مجری تصمیمات نهادهای حکومتی هستند که معمولاً در سطح ملی یا محلی مطرح شوند. هرچند رهیافت سنتی و متداول در مدیریت شهری بر مبنای تمرکز گرایی در سطح ملی و تمرکز زدایی در سطح محلی، برنامه ریزی یکپارچه در سطح کلان ملی، برنامه ریزی بخشی میان مدت، نظام بسته و انحصار طلبانه دولتی، اقدامات واکنشی و تنظیم کننده وضع موجود با استفاده از راه حل‌های فن سالارانه استوار بوده اما در مقابل، رهیافت نوین اداره شهرها بر تمرکز زدایی در سطح ملی و تمرکز گرایی در سطح محلی، نظام باز و کثرت طلبی در جامعه مدنی، اقدامات ابتکاری و تسهیل کننده وضع مطلوب، عمل اجتماعی و مشارکت فراگیر استوار است. بحث‌های کلیدی درباره بهترین راه‌های اداره شهرها طیف وسیعی از موضوعات مختلفی چون مدل حکومت، قدرت شهردار، نحوه انتخاب شهردار (توسط شورا از میان اعضای آن یا خارج از شورا)، انتخاب شورا و شهردار (در روش‌های مختلف مستقیم، با رای یکپارچه شهروندان، با رای مجزای نواحی مختلف شهر و یا به صورت مرکب)، رای مخفی غیر حزبی، تعادل رابطه شورا و شهردار، مسوولیت پذیری مدیر شهر و بی طرفی سیاسی را در بر می‌گیرد (سنایی و همکاران، ۱۳۹۷).

ویژگی‌های مدیریت شهری

اهم ویژگی‌های مدیریت شهری که باید توجه ویژه‌ای به آن‌ها شود، عبارتند از:

۱. **پیگیری امور شهری:** مدیریت شهری فعالیتی است که در پی تغییرات و دستیابی به اهدافی است که در زندگی شهری به دنبال آن هستیم، نه این که امری باشد صرفاً در حوزه رفتار حکومت‌های شهری یا اجرای پروژه‌های شهری.

۲. «پذیرش دیدگاهی جامع و کل نگر»: مدیریت شهری دانشی بین رشته‌ای است که موضوعات در حیطه شهری نیازمند آن هستند. دامنه آن فراتر از سرمایه‌گذاری بخشی است. فعالیتی است که از طریق چند سطح اداره عمومی اجرا شده و بخش‌ها و سازمانهای مختلف آن را تحت پوشش قرار می‌دهند. از اینرو مدیریت شهری مستلزم مداخله بازیگران و اقدامات مختلف از سوی بخش‌های خصوصی و اجتماعات محلی و نیز حکومت است. این حوزه هم شامل سیاست‌ها، برنامه‌ها و نیز پروژه‌هاست و هم مستلزم نگهداری و ساخت و ساز است. ارائه کالاها و خدمات شهری نیز جزء وظایف مدیریت شهری جامع نگر است.

۳. «پیگیری اهداف عملیاتی»: دلایلی که مدیریت برای اقدامات خود دارد، اهداف عملیاتی آن را تشکیل می‌دهند. این اهداف مسائل و فرصتهایی را که مدیریت به آن‌ها توجه دارد مشخص می‌کند؛ لذا وجود اهداف عملیاتی بسیار حیاتی است چون به عنوان پایه‌ای برای ارزیابی کارایی و اثربخشی سیستم مدیریت شهری استفاده می‌شوند (صداقت نوری، ۱۳۹۳).

اهداف مدیریت شهری

- ۱- ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه‌های کم درآمد
- ۲- تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار

وظایف مدیریت شهری

- ۱- آماده سازی زیرساخت‌های اساسی برای عملکرد کارآمد شهرها
- ۲- آماده سازی خدمات لازم برای توسعه منابع انسانی، بهبود بهره وری و بهبود استانداردهای زندگی شهری
- ۳- تنظیم فعالیت‌های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری
- ۴- آماده ساختن خدمات و تسهیلات لازم برای پشتیبانی فعالیت‌های مولد و عملیات کارآمد موسسه‌های

خصوصی در نواحی شهری

از نظر متینگلی (۱۹۹۴)، ضرورت مدیریت شهری، ضرورت دستیابی به کیفیت شهری است که اکنون در حال تنزل روز افزون است. شاید به بیانی ساده بتوان مدیریت را تعهد مسئولیت مداوم برای انجام اقداماتی به منظور دستیابی به اهدافی مشخص در ارتباط با موضوعات معین تعریف کرد. مقصود از این مسئولیت سه چیز است:

تعیین آن چیزی که نیاز است انجام شود، آماده کردن شرایط و ترتیبات مقتضی به گونه‌ای که آنچه نیاز به انجام آن است بتواند جامه عمل پوشد و در نهایت اینکه یقین حاصل شود آنچه مورد نظر بوده انجام شده است (برک پور و اسدی، ۱۳۸۸).

نتیجه گیری:

شهروند، یکی از عوامل مهم تاسیس حکومت و دولت است و همانگونه که شهروندان در فرمانبرداری سهمیم هستند باید در حکمرانی هم سهمیم باشند. امری که امروزه شاهد آن هستیم این است که حقوق شهروندی برخاسته از واقعیت های جامعه امروز نبوده است و این خود یک مسئله و مانع است که در برابر حقوق شهروندی خودنمایی می کند. بنابراین لازم است که مدیریت شهری با آموزش و تشویق شهروندان به پیگیری حقوق خویش و ایجاد فضای گفتگو میان شهروندان و مدیران شهری، اصلاح نظام اداری و مراعات حقوق شهروندی، جامعیت و عدم تبعیض میان شهروندان، کارائی و اثربخشی، ارتقای شرایط کار و زندگی همه جمعیت شهر با توجه به افراد و گروه های کم درآمد، تشویق توسعه اقتصادی و اجتماعی پایدار، تنظیم فعالیت های تاثیرگذار بخش خصوصی بر امنیت، سلامتی و رفاه اجتماعی جمعیت شهری، شفافیت و پاسخگویی در جهت ارتقا حقوق شهروندان نقش افرینی کنند.

فهرست منابع و مآخذ

- اصغرپور، احمدرضا، ۱۳۸۷، «بررسی راهکارهای افزایش مشارکت اجتماعی شهروندان در شهر مشهد»، مرکز پژوهش‌هاش شورای اسلامی شهر.
- ادهمی، قاسم، مجاهد، میثم، ۱۳۹۰، شهرسازی مشارکتی: نقش مشارکت شهروندان در مدیریت شهری و شناسایی معضلات عملیاتی کردن آن.
- اجلالی، پرویز، ۱۳۹۱، نظریه برنامه ریزی: دیدگاه-های سنتی و جدید، تهران، انتشارات آگه.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نی، تهران.
- امیریار احمدی، محمود ۱۳۷۸. به سوی شهرسازی انسانگرا. تهران: شرکت پردازش و برنامه ریزی شهری.
- ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا. ۱۳۸۳، توسعه روستایی با تاکید بر جامعه روستایی ایران، انتشارات نی، تهران.
- ابراهیم زاده، عیسی و فاطمی نژاد، خدیجه، ۱۳۹۳، تحلیلی بر مشارکت شهروندی و مدیریت شهری در شهرهای کوچک (مطالعه موردی: شهر کوچک یونسی)، مجله پژوهش و برنامه ریزی شهری، سال پنجم، بهار شانزدهم.
- ایراندوست، کیومرث و امینی، امین، (۱۳۹۰)، ارزیابی چالش‌های مدیریت شهرهای کوچک اندام از دید گروه‌های ذی نفوذ، فصلنامه‌ی مطالعات شهری، شماره اول. کردستان .
- اقتصادی، نهال. (۱۳۹۲)، مشارکت شهروندان، کلید توسعه پایدار اجتماعی در محلات شهری مطالعه موردی: محله باغشاه شیراز، هویت شهر، دروه ۷، شماره ۱۶، صص ۹۶-۸۱.
- اعرابی، س م، حمید رفیعی، م ع و اسرار سی ارشاد، ب. ۱۳۷۹. میانی مدیریت. دفتر پژوهش‌های فرهنگی. تهران.
- الوانی، س م. ۱۳۶۸. مدیریت عمومی. تهران. ج ۲.
- ایران نژاد پاریزی، م و ساسان گهر، پ. ۱۳۷۱. سازمان و مدیریت از تئوری تا عمل. تهران. موسسه بانکداری ایران.
- برک پور، ناصر و اسدی، ایرج، ۱۳۸۸، مدیریت و حکمروایی شهری، چاپ اول، تهران: معاونت پژوهشی دانشگاه هنر.
- برک پور، ناصر و ایرج اسدی (۱۳۸۸)، مدیریت و حکمروایی شهری، تهران، انتشارات دانشگاه هنر تهران.
- بابایی، مهناز و ابراهیمی، سعید. ف (۱۳۹۵)، مطالعه و بررسی مولفه‌های مدیریت یکپارچه در شهر اصفهان، فصلنامه اقتصاد شهری، سال اول، شماره اول، ۳۶-۱۷.

- پناهی، محمد عادل؛ کاویانی، یونس؛ داهای، الهام، ۱۳۹۰، "طرح ساماندهی مشارکت شهروندان در اداره امور شهر با رویکرد محله محوری"، مرکز مطالعات و برنامه ریزی شهر تهران، مدیریت امور مناطق.
- پیر بابایی، محمد تقی، شهنقی، امیر واعظ، ۱۳۸۵، مبانی و چشم انداز شهرسازی مشارکتی در بهسازی و ساماندهی معضلات شهری، دانشگاه هنر، تبریز.
- تقوایی، مسعود. ، ۱۳۸۹، تحلیلی بر سنجش عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در مدیریت شهری، مطالعه موردی: منطقه ۴ شهر تبریز، فصلنامه مطالعه و پژوهش های شهری و منطقه ای شماره ۲.
- جمال، مهرزاد ۱۳۸۹، «مشارکت شهروندی و مدیریت شهری؛ مورد نمونه، شهر تبریز»، اولین همایش شهروندی و مدیریت محله های حقوق و تکالیف.
- جاسبی، عبدالله. ۱۳۷۱. اصول و مبانی مدیریت. مرکز انتشارات علمی دانشگاه آزاد اسلامی.
- حبیبی، محسن و سعیدی رضوانی، هادی، ۱۳۸۵، شهرسازی مشارکتی: تمایز مفهومی و ارزیابی تجربیات ایرانی، فصل نامه صفا، شماره ۴۳، صص ۷۰-۵۰.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- حبیبی، سید محسن (۱۳۸۳). از شار تا شهر. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ پنجم.
- خادم الحسینی، احمد، عارفی پور، صفیه، ۱۳۹۱، شهرسازی مشارکتی و جایگاه مردم در برنامه ریزی شهری، چشم انداز جغرافیایی، سال هفتم، شماره ۱۹.
- دلیر، حسین زاده، اکبر پور، محمد و حسینی، محمد حسین، (۱۳۹۱)، مدیریت شهری در شهرهای میانی ایران، فصلنامه فای جغرافیایی، سال دوازدهم، شماره ۳۷.
- ذاکری، هادی، (۱۳۸۹)، کتاب آموزشی مدیریت محله، شرکت سفیر هوای تازه.
- رجبی، آریتا. ، ۱۳۹۰، شیوه های مشارکت شهروندی در فرایندهای توسعه ی شهری، فصلنامه جغرافیایی آمایش محیط، شماره ۱۲.
- رهنما، مجید و زاکس، ولفگانگ، ۱۳۷۷، «نگاهی نو به مفاهیم توسعه»، ترجمه فریده فرهی و وحید بزرگی، تهران: نشر مرکز.
- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۷۹، سنجش گرایش روستائیان نسبت به جهاد سازندگی، تهران، مرکز تحقیقات و بررسی مسائل روستائی.
- رهنما، محمد تقی، ۱۳۸۸، برنامه ریزی مناطق مرکزی شهرها (اصول، مبانی، تئوری ها، تجربیات و تکنیک ها)، انتشارات جهاد دانشگاهی، دانشگاه فردوسی مشهد، چاپ اول.
- رفیعیان، سجاد، ۱۳۸۹، «بررسی عوامل موثر بر مشارکت شهروندان در امور شهری و ارائه ی الگوی مناسب؛ مطالعه موردی: فسا»، دانشگاه سیستان و بلوچستان.
- رضا زاده، مرضیه (۱۳۸۴). عوامل اجتماعی و تحول فرم فضای شهری. تهران: پایگاه اطلاع رسانی شهرسازی و معماری.

– رضاییان، علی. ۱۳۷۷. اصول مدیریت. تهران. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
– زیاری، کرامت‌الله، نیک پی، وحید، حسینی، علی ۱۳۸۸، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس الگوی حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه مسکن و روستا، شماره ۱۴۱، ۶۹-۸۶

